

الله اين شاهد بخليل الله عفى عنهم الله [مهرا]
جري المبادعه المحكيمه المشروحة للي. حرر
هو الله حسيبي

هو المعْزُ وحده

الحمد لمستوجبه و الشكر لمستحقه اما بعد داعى ببر
تحرير اين حروف شرعية القواعد و الاركان آنست که فروخت
خواجه نوبارشاخ بن جانمشاخ ذمی اردوبادی به افتخار آل مسیح
اوانيس بن کلدخدا کیجمبر اکلیسی و بخرید او نیز ازوی
در حالتی که صحیح و معتبر بود ازیشان جميع مبایعات شرعیه
از کمال عقل و بلوغ و رشد و طوع و رغبت بی مظنه جبر
و کراهیت و آن همکی و جملکی دو قطعه زمین است واقع
و کاین در قریه برداق من قرای ازادگیران عن تومان نخجوان
مبذور چهل من تخم افکن در جنب یکدیگر محدود مبیعین
مذکورین بباغ السکا و بنهر که جاری میشود بباغات سکان قریه
سال و بباغکاه وردان و بباغ خداوردی و زمین ورثه خواجه
هاشم بیک و زمین سلطان ولی و بزمین یوهان و بشارع و
الیه الممر با جميع توابع و لواحق و غیرذلك بمبلغ چهل
و یکهزار دینار زر رایج الحال تبریزی نصفه للتوضیح و رفع الابهام
بیست هزار و پانصد دینار پانکه مبایعه صحیحه شرعیه و معافدة
صریحه سمعیه جازمه بینهما جاری شد مشتمل بر جميع شرایط
وارکان خالی از جمله نوافص و بطلان جاری بر نهج شرعیه
خبر الانام محمد عليه افضل التحیه و السلام و اقرار کرد بایع
مزبور بوصول ثمن معقود عليه از ید مشتری مزبور بالتمام
والکمال بحیثیتی که ذمت مشتری مزبور از ادائی کل و بعض
ثمن منصوص اليه بری و فارغ کشته برآه شرعیه و حکم ضمان
درک شرعی هنکام خروج مبیع میستحق غیری بر نهیست که
در دین قویم و شرعیه مستقیم معین و معتبر است و متعاقدان
مذکوران بعد حصول علمهما اسقاط خیار غبن نمودند اسقاطاً

شرعياً اليوم بموجب اين مبادئ محكية مبيعين مزبورين محدود
فيها حق صدق و ملك طلق و مال مخصوص خاص خالص مشترى
مذكور است حق من حقوقه و ملك من املاكه و مال من امواله
و عقار من عقاراته و ان له اليد و التصرف كتصرف الملك
في املاكهم حسب المشية و الارادة و كان ذلك جرى في
الثامن عشر من شهر ربیع الثانی سنه ثلاثة و ثمانين و تسعمائه
الحمد لرب العالمين و الصلوة و السلام على محمد و آله
اجمعين الطيبين الطاهرين رحمتك يا ارحم الراحمين

[درحاشیہ]

ذلك الكتاب لا ريب فيه. العبد الاقل شهاب بن يار على
عنهمما في الدارين

شهد بما فيه. العبد حميد بيگ بن خواجه ملك احمد
شهد بمضمونه. حرره العبد الاقل ابن امين صالح فرخ
اردو بادی